
مرگ، سوگواری و خاک‌سپاری، مطالعه‌ای میان فرهنگی،
گردآورنده آنتونیوس، سی، جی، ام، رابین
*Death, Mourning, and Burial; A Cross Cultrual
Reader, Antoniuse, C. G. M. Robben (Ed),
Blackwell Publishing.*

سپیده پارسا پژوه*

مردم در فرهنگ‌های مختلف با تجربه مشترک و ناگزیر مرگ چه می‌کنند؟
همه ما مرگ و مناسک و معانی پیرامون و همراه با آن: سوگ، اندوه و ماتم، و شرکت در
مراسم سنتی و دسته‌جمعی را به نوعی در زندگی شخصی خود تجربه کرده‌ایم. گاهی نیز مرگ را
در حوادثی بسیار تأثرانگیز، مثل حوادث غیرطبیعی نظیر قتل‌ها و کشتارهای دسته‌جمعی در
جنگ‌ها و خشونت‌های سیاسی، یا بلایای طبیعی چون زمین‌لرزه، سیل و نظایر آن دیده‌ایم و از
آن متأثر شده‌ایم. این حوادث هرچند ممکن است مرگ‌هایی نامتعارف تلقی شوند، اما باید
اعتراف کنیم که از اولین انگیزه‌های انسان‌شناسان برای توجه به موضوع مرگ بوده‌اند (رابین : ۳).
مرگ و مردن صرفاً یک پدیده زیستی و بیولوژیک و تنها مورد بحث زیست‌شناسان و
پزشکان نیست، بلکه به همان نسبت موضوعی اجتماعی، روان‌شناختی و فرهنگی است. چراکه
همواره با خود اندوه و سوگ و نیز فقدان اجتماعی را برای مجموعه‌ای از انسان‌ها به همراه
می‌آورد و جوامع و فرهنگ‌های گوناگون در واکنش به آن پاسخ‌های مختلفی را شکل داده‌اند.

* کارشناس ارشد مردم‌شناسی

انسان در تاریخ زندگانی اجتماعی اش و از زمانی که آن قدر قدرت اندیشیدن پیدا کرد که توانست به مرگ نیز به مثابه پدیده‌ای ژرف بیندیشد، به آن معنایی فراتر از فقدان ساده حیات یا پایان ساده زندگی بخشید و به دنبال آن آیین‌ها و مناسک مختلف را با مرگ همراه کرد: مناسک و آیین‌هایی مانند مراحل مختلف آماده‌سازی بدن متوفی برای خاکسپاری، و نیز سوگواری و تسلی بخشی و غیره. به همین منوال، اشکال گوناگون مناسک و باورهای مرتبط با مرگ، درست نظیر همه جنبه‌های مختلف زندگی، در فرهنگ‌های مختلف شکل گرفتند.

ناگزیر بودن مرگ جسمانی، از یک سو، و اعتقاد به بقای روح یا جاودانگی روحی، از سوی دیگر، در فرهنگ‌های مختلف باعث شکل‌گیری صورت‌های متنوعی از آیین‌های مربوط به مرگ شده است. از شیوه‌های گوناگون تکفین گرفته تا تدفین و مراسم سوگواری.

در رابطه با موضوع مرگ و پنداره‌های جاودانگی پیرامون آن، انسان‌شناسان از مکاتب روان‌شناختی و به ویژه روان‌کاوی الهامات زیادی گرفته‌اند. به عنوان مثال، مالینفسکی در کتاب خود به نام جادو، علم و دین^۱ (۱۹۲۵)، پنداره‌های روان‌شناس معروفی به نام ویلهلم وونت^۲ را مبنی بر این که همه مردم دنیا تحت سلطه «ترس از مرگ» قرار دارند به چالش کشیده و نشان داد که این ترس جهانی از مرگ در واقع به همان نسبت با انکار جهانی مرگ یا باور به جاودانگی کامل می‌شود (نگاه کنید به فصل اول، مقاله اول). مالینفسکی معتقد است که همه مراسم مختلفی که در پی مرگ در جوامع انسانی شکل می‌گیرند و اعتقاداتی مذهبی تلقی می‌شوند، پاسخی کارکردی هستند به پدیده مرگ و فقدان؛ و این در واقع از تنفر مشترک همه انسان‌ها از «پایان نهایی» نشأت می‌گیرد. در این حالت دین به مردم مفهوم و اطمینانی از جاودانگی را عطا می‌کند و آیین‌های سوگواری نیز به دنبال آن باعث گردهم آمدن اعضای پراکنده یک گروه می‌شوند.

بعد از مالینفسکی کس دیگری به نام ارنست بکر^۳، در رابطه با «ترس جهانی از مرگ» در کتاب خود تحت عنوان انکار مرگ^۴ (۱۹۷۳)، نوشت که این «ترس» یکی از مهم‌ترین رانش‌های درونی همه انسان‌هاست و مبتنی بر آن دو نقطه نظر اساسی را بیان کرد: ۱. این ترس یک ساخته اجتماعی است؛ کودکان در محیطی امن در آغوش مهرمادران بزرگ می‌شوند و این‌گونه مفهومی پایه از اعتماد و امنیت را می‌آموزند. لذا نمی‌توانند تصور کنند که در طول دوران کودکی از مادرانشان جدا شوند و یا مادرانشان را از دست بدهند. اما وقتی بزرگ‌تر می‌شوند، مرگ را به عنوان واقعیتی از زندگی می‌پذیرند. ۲. این ترس منشأ طبیعی دارد که از غریزه انسان‌ها در رابطه با حفاظت از خود و تلاش انسان برای کنترل شرایط زندگی نشأت می‌گیرد. او در نهایت

1. *Magic, Science and Religion*

2. Wilhelm Wundt

3. Ernest Becker

4. *The Denial of Death*

معتقد است که هر دوی این موارد بخشی از حقیقت موجود در رابطه با تصور و ترس جهانی از مرگ هستند.

اریک اولسون^۱ و رابرت جی لیفتون^۲ (۱۹۷۴) نیز در کتابی تحت عنوان زندگی و مرگ^۳ موضوع جاودانگی را به عنوان پاسخی جهانی به «ترس از مرگ» با محوریت نمادسازی‌های مذهبی مدنظر قرار دادند. آن‌ها پنج نوع شیوه بیان در پاسخ به میل به جاودانگی در میان انسان‌ها مشخص کرده‌اند: ۱. جاودانگی زیستی: از طریق گستردن زندگی توسط تولد، نام خانوادگی و هویت ملی. ۲. جاودانگی خلاق: از طریق آثار هنری، ادبیات و علم. ۳. جاودانگی الهی: از طریق باور به رستاخیز، تناسخ، تولد دوباره و زندگی معنوی بعد از مرگ. ۴. جاودانگی طبیعی که بر مبنای آن مردم بخشی از یک جهان ابدی و چرخه پایان‌ناپذیر طبیعت هستند. ۵. جاودانگی تجربی که با حالت‌هایی خاص از آگاهی، نظیر وضعیت خلسه، شهود و حالت‌های ناشی از استفاده از مواد مخدر و وجد و خلسه‌های گروهی تجربه می‌شود (ص ۳۲ تا ۴۰).

در مقابل این دیدگاه‌ها، یوهانس فابیان^۴ در کتاب خود تحت عنوان دیگران چگونه می‌میرند؟^۵ (۱۹۷۳) نگاهی تأملی به انسان‌شناسی مرگ داشته است (بخشی از این متن در کتاب مورد بررسی تحت همین عنوان آمده است؛ ص ۴۹ تا ۶۳). او معتقد است که رشته انسان‌شناسی به دلیل اگزوتیزه شدن و فلکلوریزه شدن تاکنون مشارکت کمتری در مباحث مربوط به مرگ داشته است. چراکه این مباحث به جهان‌شمول بودن ترس از مرگ می‌پرداخته‌اند، در حالی که گرایش‌های اگزوتیستی دائماً موضوعات را غیر جهانی و محلی می‌کرده است.

لذا به نظر می‌رسد که مقایسه درون‌فرهنگی، یا میان‌فرهنگی موضوع مرگ یکی از موضوعاتی است که اصالتاً بایستی مورد توجه انسان‌شناسان قرار گرفته باشد، ولی با این حال هنوز، چندان توسعه نیافته است. در متون و ادبیات موجود مربوط به موضوع مرگ، اتنوگرافی‌ها در حین پرداختن به جوانب مختلف فرهنگی در جوامع مورد مطالعه عمیقاً در موضوع مرگ فرورفته‌اند و گزارش‌های مبسوطی ارائه داده‌اند. اما در حوزه انسان‌شناسی، مطالعات تطبیقی و میان‌فرهنگی خاص موضوع مرگ تاکنون کمتر صورت گرفته است. با این‌همه در سال‌های اخیر موضوع مرگ نیز نظیر همه موضوعات دیگر، مورد تأمل جدی در مباحث بین‌فرهنگی و انسان‌شناختی قرار گرفته است و کتاب مرگ، سوگواری و خاکسپاری که در این‌جا به مرور آن می‌پردازیم، کتابی منحصر به فرد و بسیار ارزنده در این رابطه محسوب می‌شود.

1. Eric Olson
3. *Living and Dying*
5. *How Others Die?*

2. Robert Jay Lifton
4. Johannes Fabian

این کتاب، که توسط آنتونیوس رابین^۱ گردآوری شده است، مقدمه‌ای است بر «انسان‌شناسی مرگ» و از مجموعه‌های بسیار باارزش از مقالات مختلفی تشکیل شده است که از آثار برجسته مردم‌نگاری و همچنین مطالعات تطبیقی و میان‌فرهنگی در رابطه با موضوع مرگ دست‌چین شده‌اند. مقالاتی که هریک به نوعی فرایند مرگ را تا دوره‌های طولانی پس از مردن در ذهنیت انسان‌ها تحت پوشش قرار می‌دهند و این مراحل را به‌عنوان مراحل گذار در فرایند اجتماعی مطرح نموده و نشان می‌دهند که این پدیده تنوع عظیمی از پاسخ‌ها را در فرهنگ‌های گوناگون در سراسر جهان در بر می‌گیرد.

این کتاب در پی آن است که با متون بنیادی در رابطه با انسان‌شناسی با موضوع مرگ ارتباط برقرار کند، و از این طریق عمق و نیز گستره فکری موجود درباره این موضوع را در دهه‌های اخیر نشان دهد. در این ضمن مضمون و معنای مرگ و دوره‌های پس از آن را در ذهنیت مردم مشخص کرده و همچنین به عوارض فرهنگی و اجتماعی آن نیز پردازد. این کتاب از نه بخش تشکیل شده است که همگی خط سیر اجتماعی مرگ را دنبال می‌کنند و عبارت‌اند از: مفهوم‌سازی مرگ، مرگ و مردن، مرگ‌های نامتعارف، اندوه و سوگواری، مناسک و خاک‌سپاری، یادسپاری و باززایش (تهذیب اخلاق).

هریک از این بخش‌ها شامل یک یا دو متن بنیادی انسان‌شناختی درباره موضوع مرگ بوده و توسط پیشگامان انسان‌شناسی نوشته شده‌اند. نظیر مالیفسکی (جادو، علم و دین در فصل اول: ۱۷ تا ۱۹)، ایوانس پریچارد (سحر و جادو در میان ازنده‌ها، در فصل سوم، ۱۲۲ تا ۱۵۵)، رادکلیف براون (جزیره‌نشینان آندمان، در فصل چهارم، ۱۵۱ تا ۱۵۶)، آرنولد ون جنپ (مطالعه بازنمایی جمعی مرگ، در فصل پنجم، ۲۱۳ تا ۲۲۴). همچنین شامل مطالعات ارزنده جدیدی است که نشان‌دهنده پتانسیل‌های اندیشه انسان‌شناختی مرگ هستند، مطالعاتی نظیر «بررسی موضوع اهدای عضو»، «مفقودالثر شدن» و «آدم‌خواری» (فصل پنجم: در مقاله‌ای تحت عنوان «این‌گونه بود بدن‌های ما، این‌گونه بود رسم‌های ما: سوگواری و آدم‌خواری در یک جامعه آمازونی» نوشته بت کونکلین^۲).

کتاب مذکور هم به‌عنوان کتابی مرجع و بنیادی درباره موضوع انسان‌شناسی مرگ برای دانشجویان قابل معرفی است و هم به‌عنوان کتابی حاوی دیدگاهی بین فرهنگی درباره موضوع مرگ، برای همه کسانی که در این موضوع به تفکر و پژوهش می‌پردازند.

۱. آنتونیوس رابین، استاد انسان‌شناسی در دانشگاه اوترخت هلند و رئیس انجمن انسان‌شناسی هلند است. او تألیفات دیگری نیز دارد که از آن جمله می‌توانیم به کتاب فرهنگ‌ها در محاصره؛ خشونت جمعی و آسیب‌های روانی (۲۰۰۰)، همچنین کتاب خشونت سیاسی و آسیب‌های روانی در آرژانتین (۲۰۰۵) اشاره کنیم.

2. Beth A. Conklin